

# قصه زبان انگلیسی

ناصر ایرانی

Robert McCrum, William Cran and Robert MacNeil: *The Story of English*. New York, Penguin Books, 1987

می گویند يك ميليارد نفر بر آورد کرده اند. زبان انگلیسی اکنون زبان مادری ۳۵۰ میلیون نفر در این کشورهاست: بریتانیای کبیر در اروپا؛ ایالات متحده آمریکا و کانادا و آلاسکا در امریکای شمالی؛ گویان در امریکای جنوبی؛ و استرالیا و نیوزیلند در اقیانوسیه. دست کم ۴۰۰ میلیون نفر نیز در کشورهای زیر زبان انگلیسی را به مثابه زبان دوم به کار می برند: سودان و نیجریه و کنیا و تانزانیا و زامبیا و آفریقای جنوبی و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی؛ و هندوستان و پاکستان و برمه و سری لانکا و مالزی و فیلیپین در قاره آسیا.

در میان حدود ۲۷۰۰ زبان که اکنون در جهان رایج است زبان انگلیسی دارای غنی ترین واژگان است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد (*Oxford English Dictionary*) شامل ۵۰۰,۰۰۰ واژه است، و نیم میلیون اصطلاح فنی و علمی نیز هست که در این فرهنگ راه نیافته است. حال آنکه واژگان زبان آلمانی مرکب از حدود ۱۸۵,۰۰۰ کلمه و واژگان زبان فرانسه مرکب از حدود ۱۰۰,۰۰۰ کلمه است.

سه چهارم نامه‌ها، تلکس‌ها، و تلگراف‌های جهان به زبان انگلیسی نوشته و مخابره می شود. بیش از نیمی از مجلات علمی و فنی جهان به زبان انگلیسی انتشار می یابد. هشتاد درصد اطلاعاتی که در کامپیوترهای جهان ذخیره گردیده است به زبان انگلیسی است. به تقریب نیمی از معاملات تجاری اروپا به انگلیسی صورت می گیرد. انگلیسی زبان رسمی مسیحیت، المپیک‌ها، دریانوردی، و هوانوردی است. انگلیسی به زبانهای ملل در حال توسعه که هیچ، به زبان ملل پیشرفته نیز هجوم آورده است و بیش و کم واژه‌هایی را در آن زبانها وارد کرده است.

زبان ژاپنی که به آسانی از زبانهای دیگر واژه اخذ می کند شاید در دهه‌های اخیر بیش از هر زبان دیگری از انگلیسی واژه اخذ کرده است. تخمین زده می شود که زبان ژاپنی از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون ۲۰,۰۰۰ واژه از انگلیسی اخذ کرده است. این امر برخی از مردم ژاپن را به این بیم دچار کرده است که نکتدهویت ملی زبانشان از بین برود. علاوه بر اخذ و به کارگیری عین لغات انگلیسی، ژاپنی‌ها پاره‌ای از واژه‌ها را نیز ژاپنی وار کرده اند، از جمله *mai-homu* و *(mansion)man-shon* و *(ice-cream)aisu-kurimu* و *(my home)*. مجموعه واژه‌هایی را که از انگلیسی وارد ژاپنی شده است ژاپلیش (*Japlish*) می نامند. سوئینگلیش (*Swinglish*)، واژه‌های انگلیسی سوئدی وار شده، نیز کم نیست، از جمله *baj-baj* (bye - *bye*) و *tait jeans* (*tight jeans*). بسیاری از مردم سوئد برای جمع بستن اسم در زبان خود بیشتر از *er*، علامت جمع در انگلیسی، استفاده می کنند تا از *er* و *or* که علامتهای جمع در زبان سوئدی است. فرانگله (*Franglais*)، واژه‌های انگلیسی فرانسوی وار شده، هم

امرسون، شاعر شهیر امریکایی، گفته است: «زبان شهری است که بنای آن را هر انسانی سنگی آورده است.» و همو گفته است: «زبان انگلیسی دریایی است که از هر منطقه‌ای در زیر آسمان شاخه‌هایی به آن می ریزد.»

نویسندگان قصه زبان انگلیسی کوشیده اند با سیاحتی در درازای تاریخ زبان انگلیسی، از بدو پیدایش آن تا کنون، و در پهنای گسترش جغرافیایی آن در پنج قاره مسکون صحت گفته‌های امرسون را ثابت کنند و الحق سیاحتنامه خواندنی و جذابی نگاشته اند که می رساند هر گاه پژوهش علمی دست به دست قریحه و صناعت داستان نویسی دهد شیرینی کار کم از گوارایی هیچ قصه‌ای نخواهد بود. بیخودی نیست که کتاب قصه زبان انگلیسی جزو کتابهای پر فروش امریکا بوده است.

به هنگامی که ژولیوس سزار کمی بیش از دو هزار سال پیش قدم به خاک بریتانیا گذاشت زبان انگلیسی تقریباً وجود نداشت. پانصد سال بعد، زبان *Englisc*، که انگلیسی زبانان امروزی چیزی از آن سر در نمی آورند، در میان گروه اندکی از ساکنان بریتانیا رایج بود. یک هزار سال بعد، یعنی در پایان قرن شانزدهم میلادی، در زمانی که ویلیام شکسپیر در اوج هنر و خلاقیت خود بود، زبان انگلیسی زبان بومی بین پنج تا هفت میلیون انسان بود و دامنه نفوذ آن فراتر از جزیره انگلستان نمی رفت و حتی در تمام آن جزیره نیز گسترش نداشت.

اکنون دست کم ۷۵۰ میلیون نفر از مردم جهان به زبان انگلیسی تکلم می کنند که زبان مادری حدود نیمی از آنان زبان دیگری است. برخی از آمارگران تعداد کسانی را که به زبان انگلیسی سخن

که نه زبان مادری اکثریت آنان)، یعنی نخستین زبان جهانی، تبدیل خواهد شد.

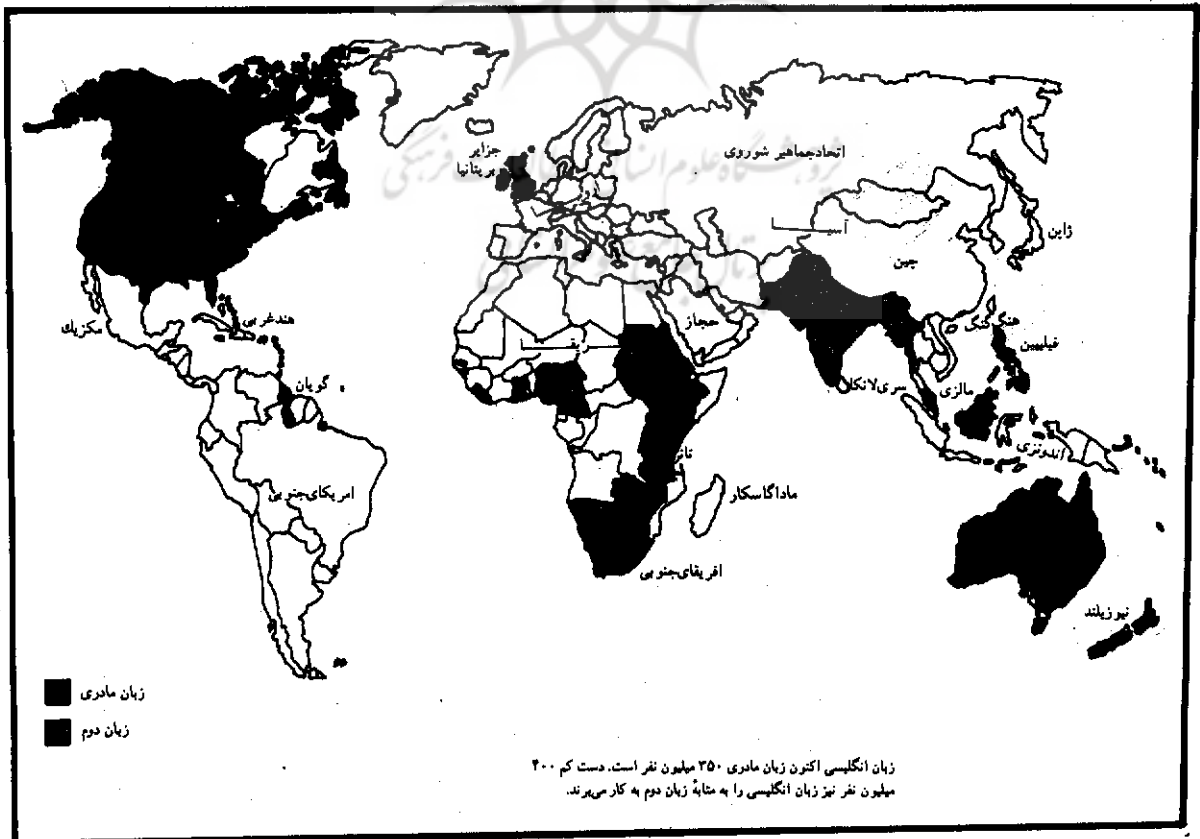
زبان انگلیسی چگونه به وجود آمد و چگونه این گسترش و مقام را یافت؟ نویسندگان قصه زبان انگلیسی که روایت خود را بر اساس پژوهشهایی تحریر کرده اند که در ساختن یک سریال تلویزیونی در همین زمینه نیز به کار رفته است، در نه فصل و به کمک نقشه‌ها و تصویرهای متعدد پاسخ جامعی به این پرسش داده‌اند.

### تولد زبان انگلیسی

تولد زبان انگلیسی محصول سه تهاجم و یک انقلاب فرهنگی بوده است: خمیرمایه این زبان را سه قبیله آلمانی نژاد آنگل (Angle) و ساکسون (Saxon) و جوت (Jute) به بریتانیا آوردند؛ به هنگامی که سنت آگوستین و پیروان او آیین مسیحیت را در انگلستان رایج ساختند خمیرمایه مزبور تحت نفوذ زبانهای لاتین و یونانی قرار گرفت؛ سپس وایکینگهای دانمارکی آن را تا حدی غنی کردند؛ و بالاخره نورمن‌های فرانسوی زبان دگرگونش ساختند و تقریباً به صورت فعلیش درآوردند. بدین ترتیب در طول هزار سال در جنگ و صلح زبانی ساخته شد که دانیل دفو، نویسنده معروف انگلیسی، آن را «انگلیسی رومی- ساکسون- دانمارکی- نورمن شما» خوانده است.

علی‌رغم تلاش فرانسویان در پاکسازی زبان خود از این قبیل کلمات هنوز رایج است، از جمله *le drugstor* و *le weekend* و *die soundtrack* و *die jeans*. *le bifteck* (Deutschlish)، واژه‌های انگلیسی آلمانی وار شده، است و نمونه‌ای از روسلیش (Know-how) *noh-khau* (Russlish). ضبط و شمارش واژه‌هایی که از انگلیسی به زبان فارسی وارد شده است کاری است لازم و مفید که دامنه و عمق نفوذ انگلیسی را در زبان ما به دقت آشکار می‌سازد. در این مجال بی‌مناسبت نیست پاره‌ای از واژه‌هایی را ذکر کنیم که می‌توان آنها را فارگلیسی خواند: سرسیلندر، فیلتر هوا، هولتیک زدن، ویزیت کردن، هد زدن، شوت کردن، پاس دادن (توپ)، پاس کردن چک، اوفر دادن.

پیش‌بینی می‌شود که تا آخر قرن بیستم گسترش زبان انگلیسی به حدی برسد که از تمام زبانهای که تاکنون رایج بوده‌اند پیشی خواهد گرفت و به زبان مشترک بیشتر اهل زمین (روشن است



نشان داده است که در فهرست معمول ترین کلمات انگلیسی صد واژه نخست همگی ریشهٔ آنگلو- ساکسون دارند. عناصر سازندهٔ جملهٔ انگلیسی، از قبیل *is* و *the* و *you* و نظیر اینها، آنگلو- ساکسون اند. دریک کلام، بین *here* و *there* (هر دو متعلق به انگلیسی قدیم) تداومی بی وقفه وجود دارد.

## انقلاب فرهنگی

در سال ۵۹۷ میلادی آیین مسیحیت به همت سنت آگوستین و پنجاه راهب همراه او به آنگلو- ساکسون ها عرضه شد و رواج این آیین باعث گردید که خون تازه‌ای در پیکر انگلیسی قدیم جاری گردد و روح تازه‌ای به آن دمیده شود.

مسیحیان به ساختن کلیساها و صومعه‌ها پرداختند و این نهادها به تعلیم علوم و ادبیات مبادرت ورزیدند و پایه‌های فرهنگ آنگلو- ساکسون را پی نهادند. سنت بید، که خود در یکی از همین صومعه‌ها دانش آموخته بود، می نویسد که راهبان معلم علاوه بر تدریس ادبیات لاهوتی و ناسوتی به تعلیم شعر و نجوم و ریاضیات نیز می پرداختند. نگارش به زبان بومی را نیز تشویق می کردند، و نیز حجاری و شیشه‌گری و تهیهٔ نسخه‌های مصور نفیس از کتابها و موسیقی و معماری را.

این انقلاب فرهنگی واژه‌های فراوانی را وارد زبان انگلیسی قدیم کرد و آن را نیر و مندتر و غنی تر ساخت. هنوز بیش از ۴۰۰ لغت از آن واژه‌ها زنده اند و در انگلیسی جدید به کار می روند. اما نقش مهمتری که انقلاب فرهنگی مزبور ایفاء کرد عبارت بود از توسعهٔ ظرفیت انگلیسی قدیم در بیان مفاهیم و اندیشه‌های مجرد. پیش از ورود سنت آگوستین به بریتانیا، بیان تجربه‌های عادی زندگی به انگلیسی قدیم آسان بود ولی از برای بیان اندیشه‌های مجرد چاره‌ای نبود جز توسل به ترکیب‌های آلمانی وار چند کلمه‌ای از قبیل *frumweorc* که آفرینش معنی می داد و ترکیبی بود از *fruma* به معنای آغازین و *weorc* به معنای کار.

رواج مسیحیت در انگلستان زبان انگلیسی را از سه طریق دگرگون ساخت: واژه‌های کلیسایی فراوانی را وارد زبان کرد؛ واژه‌ها و اندیشه‌هایی را معمول ساخت که برخی از آنها به سرزمینهای دور، به هندوستان و چین، تعلق داشتند؛ و آنگلو- ساکسون ها را برانگیخت تا مفاهیم جدیدی به کلمات موجود ببخشند.

واژه‌های کلیسایی یا لاتین بودند یا یونانی یا عبری. از واژه‌های لاتین می توان *Disciple* و *Shrine* و *munuc* (monk) را ذکر کرد؛ از واژه‌های یونانی *Apostle* و *pope* را؛ و از عبری *Sabbath* را. ریشه‌های شرقی آیین مسیحیت باعث گردید که کلماتی شرقی از قبیل *lion* و *camel* و *cedar* و *orange* و *pepper* و نامهایی چون *India*

قرنها پیش از آنکه زبان انگلیسی تولد یابد، بریتانیا سرزمین سلت ها یا کلت ها (Celts) بود که از اقوام هندو- اروپایی نی بودند که گفته می شود در اروپای مرکزی مقیم بودند و بین ۲۵۰۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد مسیح به شرق و غرب عالم مهاجرت کردند. اقوام هندو- ایرانی شاخهٔ دیگری از همین هندو- اروپاییانی بودند که به شرق مهاجرت نمودند. یکی از دلایلی که خویشاوندی دور کلیهٔ آن اقوام را ثابت می کند شباهت برخی از کلمات در زبان اخلاف آنان است که می رساند ریشهٔ مشترکی داشته‌اند. مثلاً برادر در فارسی شبیه است به *brother* در انگلیسی، به *broeder* در هلندی، به *bruder* در آلمانی، به *phrater* در یونانی، به *brat* در روسی، به *bráthair* در ایرلندی، و به *bhratar* در سنسکریت. کلمات مادر و پدر هم در برخی از این زبانها به هم شباهت دارند.

سرزمین سلت نشین بریتانیا به دلیل استعداد وافر کشاورزی و غنای مواد معدنیش همواره دیگ طمع اقوام دیگر را به جوش می آورده است. صفحات اول تاریخ بریتانیا آکنده از تهاجمهای پی در پی است. یکی از معروفترین آن تهاجمها، حملهٔ ژولیوس سزار و لژیون او به خاک بریتانیا در سال ۵۵ پیش از میلاد است که این کشور را بیش از چهار قرن تحت انقیاد امپراطوری رم درآورد.

## تهاجم اول

در قرن پنجم میلادی قبایل آلمانی نژاد آنگل و ساکسون و جوت از سواحل اروپای شمالی، از دانمارک و هلند و آلمان، به بریتانیا حمله کردند و پس از بیرون راندن لژیونهای رومی در آن سرزمین ساکن شدند. آنگل ها در شرق بریتانیا سکنی گزیدند؛ ساکسون ها در جنوب و غرب؛ و جوت ها در کنت (Kent). زبان این قبایل، که به زبانهای آلمانی وابسته بود، خمیرمایهٔ زبان انگلیسی کنونی شد. سلت ها که بومیان بریتانیا بودند تمام این مهاجمان آلمانی نژاد را ساکسون می نامیدند ولی به تدریج اصطلاح *Angli* و *Anglia* به زبان راه یافت و نامی شد که هر سه قبیلهٔ فاتح را شامل گردید. دوست و پنجاه سال پس از اولین هجوم اقوام مزبور، سنت بید (Saint Bede)، تاریخ نویس قرنهای هفتم و هشتم انگلستان، کتابی به زبان لاتین نوشت که خود آن را «The English church and people» خواند. در این هنگام در زبان بومی، مردم بریتانیا را *Angelcynn* و زبانشان را *Englisc* می خواندند. هنوز هزار سال از میلاد مسیح نگذشته بود که آن کشور به *Englaland* شهرت پیدا کرده بود که به معنای سرزمین آنگل ها (Angles) است.

در بیان نقش اساسی انگلیسی قدیم (Old English) در شکل گیری انگلیسی جدید همین بس که گفته شود تقریباً غیر ممکن است بتوان به انگلیسی جدید جمله‌ای نوشت بدون آنکه کلمات آنگلو- ساکسون را به کار برد. تحلیلهای کامپیوتری زبان

بدون درگیری چندانی زندگی کردند و چون زبان هر دوی آنها ریشه‌های آلمانی داشت مرزبندی زبانی خودبه‌خود درهم شکست و زبانهای آن دو قوم به طور طبیعی درهم آمیخت و به تدریج ساختار انگلیسی قدیم را ساده ساخت.

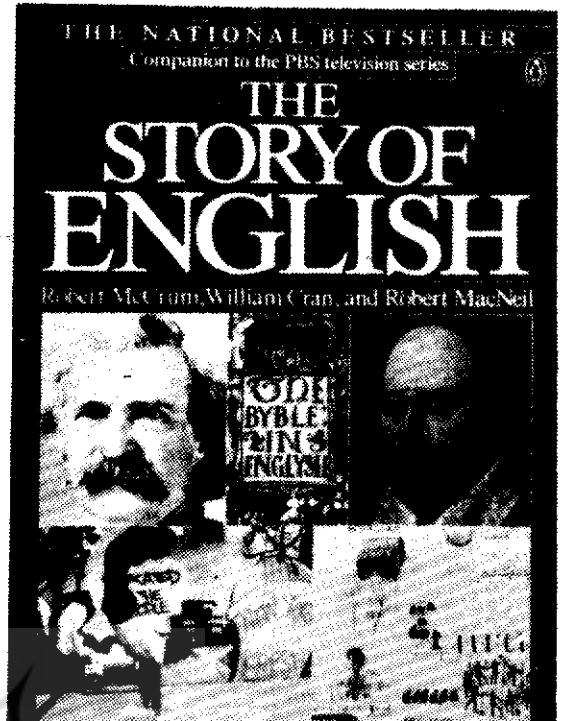
پیش از ورود دانمارکی‌ها، انگلیسی قدیم مثل غالب زبانهای اروپایی آن زمان زبانی صرفی بود. فی‌المثل به اسم در حالت جمع پایانه‌ای افزوده می‌شد. در انگلیسی جدید گفته می‌شود يك stone و دو (فقط علامت جمع به اسم افزوده شده است)، ولی در انگلیسی قدیم گفته می‌شد يك stan و دو (علاوه بر علامت جمع پایانه‌ای نیز به اسم افزوده شده است)؛ همین طور به هنگام استعمال حروف اضافه: در انگلیسی جدید گفته می‌شود the king و to the king (اسم در هر دو حالت صورت واحدی دارد)، حال آنکه در انگلیسی قدیم گفته می‌شد se cyning و thaem cyninge (توجه کنید به پایانه‌ای که در حالت دوم به اسم افزوده شده است).

این قبیل پیچیدگیهای دستوری مانع از تفهیم و تفهم کامل ساکسون‌های انگلیسی زبان و دانمارکی‌های نورد زبان می‌شد که به دلیل خویشاوندی زبانهایشان تا حد زیادی سخن یکدیگر را می‌فهمیدند. مثل دانمارکی‌ها و سوئدی‌های کنونی. و مثل ایتالیایی‌ها و اسپانیایی‌ها. خود من بارها شاهد بوده‌ام که يك دوست ایتالیایی و يك دوست اسپانیایی، بدون آنکه زبان یکدیگر را آموخته باشند، این به زبان خود و آن به زبان خود تند و تند سخن می‌گفتند و تا حد زیادی منظور همدیگر را می‌فهمیدند، و لابد، تا حدودی نیز تصور می‌کردند که منظور هم را می‌فهمند. به هر حال ضرورت زندگی مشترک، ساکسون‌ها را واداشت تا حتی الامکان ساختار زبان خود را ساده کنند تا درک آن از برای همسایگان نورد زبانشان آسانتر شود. بدین ترتیب اسمها و صفتها پایانه‌های فوق‌العاده ساده‌ای پیدا کردند و این یکی از امتیازهای انگلیسی جدید است.

تأثیر نورد قدیم بر انگلیسی قدیم را نمی‌توان به دقت اندازه گرفت زیرا آن دو زبان بسیار شبیه بودند. می‌توان از بن دندان گفت که ۹۰۰ کلمه، به عنوان مثال *get* و *hit* و *leg* و *low* و *skin* و *wrong* و *same*، ریشه‌های اسکاندیناویایی دارند و کلماتی که با *sk* آغاز می‌شوند، از جمله *sky* و *skain*، از نورد به انگلیسی وارد شده‌اند ولی صدها کلمه دیگر هست که معلوم نیست نوردی است یا نه.

### تهاجم سوم

در سال ۱۶۰۶ نورمن‌های فرانسوی زبان به سرکردگی کنت ویلیام به انگلستان حمله کردند و پس از نبرد خونینی با هارولد شاه که منجر به قتل او و برادرانش گردید بر انگلیسیان پیروز شدند و



phoenix به زبان انگلیسی وارد شود.

جالب‌ترین جنبه تأثیر مسیحیت در زبان انگلیسی این بود که واژه‌های موجود معانی جدیدی یافتند. *God* و *heaven* و *hell* جمله‌ای از کلمات انگلیسی قدیم بودند که پس از رواج مسیحیت مفاهیم عمیق‌تر مسیحی پیدا کردند. *fiend* (نیز مترادف *Devil*) به کار رفت.

### تهاجم دوم

بین سالهای ۷۵۰ تا ۱۰۵۰ میلادی تاخت و تاز وایکینگ‌ها در سرزمینهای اروپایی جریان داشت. این تاخت و تازها ابتدا به منظور غارت ثروت‌های آن سرزمینها صورت می‌گرفت ولی دست آخر به سکونت در آنها انجامید. وایکینگ‌های دانمارکی در سال ۷۹۳ میلادی حمله به انگلستان را آغاز کردند و تا پایان قرن نهم تقریباً نیمی از آن کشور را به تصرف درآوردند. آن گاه خیال تصرف ثروتمندترین بخش انگلستان، یعنی پادشاهی وسکس (Wessex) را در سر بختند ولی با مقاومت آلفرد پادشاه وسکس روبه‌رو شدند و ناچار به انعقاد عهدنامه‌ای با او گردیدند که براساس آن کشور به دو بخش تقسیم شد. در بخش جنوبی آلفرد و ساکسون‌های انگلیسی زبان حاکمیت یافتند و در بخش شمالی دانمارکی‌های نورد (Norse) زبان. پس از مرگ آلفرد، ساکسون‌ها و دانمارکی‌ها نسل بعد از نسل در دو بخش مزبور

در کشور آنان به حکومت پرداختند. تسلط نورمن ها بر انگلستان تقریباً سیصدسال دوام داشت و این امر، به گفته یکی از صاحب نظران انگلیسی، «بر زبان انگلیسی تأثیری بیش از هر رویداد دیگری در طول تاریخش داشته است.»

در ابتدا به نظر می رسید که زبان انگلیسی به بلیه ای دچار شده است که بعید است از آن جان سالم به در ببرد. طی چند نسل پس از فتح انگلستان به دست نورمن ها، کلیه مقامات و مشاغل مهم در اختیار فاتحان فرانسوی زبان قرار گرفت؛ کلیسای انگلیس پاکسازی شد و اسقفها و راهبان نورمن تصدی کلیساهای جامع و صومعه ها را به عهده گرفتند؛ مردم انگلیس به تبعیض زبانی دچار شدند؛ زبان کلیسا، قوانین، علوم، و ادبیات زبان انگلیسی نبود بلکه زبانهای لاتین و فرانسه بود. نگارش به زبان انگلیسی تقریباً متوقف شد.

در این دوران زبان فرانسه زبان نخبگان، زبان لاتین زبان حرفه ای، به ویژه زبان مذهب و علوم و ادبیات، و زبان انگلیسی زبان مردم عادی بود. ولی چه شد که زبان انگلیسی علی رغم چیرگی زبان فرانسه از بین نرفت؟ به سه دلیل. دلیل اول این بود که تا پیش از پیروزی نورمن ها، انگلیسی قدیم چه به صورت گفتاری و چه به صورت نوشتاری کاملاً ریشه دوانده بود و جا قرص کرده بود و به یمن اختلاطش با زبانهای اسکاندیناویایی چنان نیرویی یافته بود که به آسانی نمی شد آن را از بین برد. دلیل دوم این بود که نورمن ها بلافاصله پس از چیرگی بر انگلیسیان با آنان به ازدواج و اختلاط پرداختند. صد سال پس از حمله نورمن ها، یکی از تاریخ نویسان نوشت: «دو ملت چنان اختلاط یافته اند که امروز مشکل بتوان گفت که، در میان مردمان آزاد، چه کسی انگلیسی نژاد و چه کسی نورمن نژاد است.»

دلیل سوم، و احتمالاً مهمترین دلیل، این بود که در سال ۱۲۰۴ آنگلو-نورمن ها مجبور گردیدند که دست از املاک خود در خاک فرانسه بردارند. تا این زمان، بسیاری از اشراف نورمن در هر دو کشور صاحب ملک بودند و لاجرم بخشی از سال را در فرانسه و بخش دیگر را در انگلستان به سر می بردند. اکنون آنان می باید از املاک خود در یکی از آن دو کشور دست برمی داشتند تا تابعیت و وفاداری آنان به پادشاه کشوری که در آن صاحب ملک باقی می ماندند تسجیل گردد. در سال ۱۲۴۴ پادشاه فرانسه نیز اعلام کرد: «چون ممکن نیست مردانی که در پادشاهی من زندگی می کنند، و صاحب اموالی در انگلستان هستند، بتوانند از دل و جان به دوسرور خدمت کنند، آنان می باید به نحو جدایی ناپذیری یا به من بپیوندند یا به پادشاه انگلستان.» بدین ترتیب یکی از مهمترین رشته هایی که انگلستان مغلوب را به فرانسه غالب می پیوست از هم گسست و مردم انگلستان و زبان آنان استقلال



جفری چوسر

کاملتری یافتند.

از اوایل قرن سیزدهم زبان انگلیسی چه در سطح نوشتاری و چه در سطح گفتاری موقعیت گذشته را بازیافت، به ویژه در حوزه کلیسایی که موعظه ها و دعاها و سرودها به انگلیسی صورت می گرفت و اجرا می شد. وقفه بزرگی که از سال ۱۰۶۶ تا ۱۲۰۰ در انگلیسی نوشتاری پیش آمده بود به تدریج از بین رفت و کتابهای بسیاری نوشته شد که برخی از آنها هنوز موجود است. احساسات ضد فرانسوی، از این دست که لندن پر از خارجیان است، برانگیخته شد تا بدان حد که در پایان قرن سیزدهم ادوارد اول با اعلام این مطلب که «قصده نفرت انگیز [پادشاه فرانسه] این است که، پناه بر خدا، زبان انگلیسی را محو کند» کوشید احساسات وطن دویستانه انگلیسیان را بر ضد او تحریک کند. رواج و گسترش دوباره زبان انگلیسی را می توان از شعری دریافت که در همان ایام سروده شده است:

*Common men know no French  
Among a hundred scarcely one*

حتی در میان قشرهای تحصیل کرده نیز زبان فرانسه زبانی مکتسب به شمار می رفت نه زبان طبیعی. اشراف نیز فقط به این خاطر زبان فرانسه را به کودکان خود می آموختند که تکلم به آن زبان را از لوازم اشرافیت به حساب می آوردند. ضربه آخر را جنگهای صد ساله با فرانسه (۱۳۳۷ تا ۱۴۵۴) وارد آورد که انگلیسیان را برانگیخت تا زبان فرانسه را، که اکنون زبان دشمن

به شمار می‌رفت، کنار بگذارند. در تمام سطوح جامعه. توده مردم و کلیسا که قبلاً به زبان مادری تکلم می‌کردند، حالا این زبان در محاکم دادگستری و مجلس و دربار نیز زبان رسمی و رایج شد.



ویلیام شکسپیر

### انگلیسی سیاه

تا اینجای قصه دانستیم بذری که سه قوم آنگل و ساکسون و جوت با خود به بریتانیا آوردند چگونه به درخت تناوری تبدیل شد. دنباله قصه روایت شگفتی انگیز انتشار بذره‌های این درخت در فراخنای زمین است، در افریقا و آمریکا و آسیا و اقیانوسیه، و سبز شدن درختهای زبانی دیگری که برخی از نویسندگان آنها را لهجه می‌دانند و پاره‌ای دیگر آنها را زبان مستقلی به شمار می‌آورند. یکی از این لهجه‌ها یا زبانهای مستقل انگلیسی سیاه (Black English) است.

انگلیسی سیاه محصول یکی از زشت‌ترین فصلهای تاریخ تمدن غرب، یعنی تجارت برده است و مردمی که امروز به این زبان تکلم می‌کنند در بعضی از کشورهای افریقایی، در برخی از کشورهای دریای کارائیب، در ایالت‌های جنوبی ایالات متحده آمریکا، و حتی در خود انگلستان پراکنده‌اند. اجداد این مردم در حدود سیصد و پنجاه سال قبل در افریقای غربی، در منطقه‌ای که اکنون کشورهای سیرالئون و نیجریه و غنا و ساحل عاج را شامل می‌شود، زندگی می‌کردند. آنان به یکی از چند صد زبان محلی تکلم می‌نمودند و زبان انگلیسی را نخست بار از ملوانان کشتی‌هایی شنیدند که از بندرهای نظیر بریستول و لیورپول آمده بودند تا برده حمل کنند.

بریستول به مدت صد و پنجاه سال در رأس مثلث بازرگانی‌ئی قرار داشت که در تاریخ سرمایه‌داری شاید بیرحمانه‌تر از آن یافت نشود. کشتیهای انگلیسی انباشته از کالاهای نخی و

### انگلیسی میانه و انگلیسی جدید

انگلیسی میانه اصطلاحی است که در قرن نوزدهم وضع شد و در توصیف زبان انگلیسی از سال ۱۱۵۰ تا ۱۵۰۰ میلادی به کار می‌رود. باید دانست دگرگونیهایی که انگلیسی میانه را از انگلیسی قدیم متمایز می‌سازد قبلاً در سطح گفتاری انگلیسی قدیم صورت پذیرفته بود ولی از سال ۱۱۵۰ به بعد بود که در اسناد نوشتاری راه یافته بود. لذا اصطلاح انگلیسی میانه عمدتاً ناظر به صورت نوشتاری زبان انگلیسی در دوران مزبور است.

عمده‌ترین ویژگیهای انگلیسی میانه عبارت است از حذف شدن بیشتر تصریفها و ساده‌تر گردیدن ساختار زبان. مهمترین این ساده‌گردیدنها استعمال حرف اضافه‌هایی از قبیل *with* و *by* و *from* به جای پایانه‌هایی بود که در انگلیسی قدیم نقش آنها را به عهده داشتند.

در همین دوران، جفری چوسر (Geoffrey Chaucer) بهترین آثار خود *The House of Fame* و *The Parlement of Fowles* و *Troilus and Criseyde* را نگاشت و شاهکارش *The Canterbury Tales* را آفرید و زبان انگلیسی را صاحب آثار ادبی درخشانی کرد که هیچ زبانی بدون آنها کمال و مرتبت عالی نمی‌یابد.

و اما در عهد پادشاهی الیزابت اول و جیمز اول، یعنی در کمتر از هفتاد سال (از ۱۵۵۸ تا ۱۶۲۵) بود که زبان انگلیسی به سرزندگی بیان و غنایی دست یافت و به اوجی رسید که حتی معاصران نیز به آن می‌نازند.

بزرگان علم و ادب و هنر آن دوران یکی دو تا نیستند و زبان‌سازی آنان محدود به یکی دو حوزه نیست. از جمله آن ناموران کافی است به خلافت زبانی ریچارد هوکر (Richard Hooker ۱۶۰۰-۱۵۵۴) و مترجمان کتاب مقدس در حوزه الهیات؛ فرانسیس بیکن (Francis Bacon ۱۶۲۶-۱۵۶۱) در حوزه علوم طبیعی؛ سر والتر رولی (Sir Walter Raleigh ۱۶۱۸-۱۵۵۲) در حوزه سیاست و دریانوردی؛ ادموند اسپنسر (Edmund Spenser ۱۵۹۹-۱۵۵۲) و سر فیلیپ سیدنی (Philip Sidney ۱۵۸۶-۱۵۵۴) در حوزه شعر و داستان اشاره کنیم. ولی عدالت حکم می‌کند که يك نفر را جداگانه نام ببریم: ویلیام شکسپیر (William Shakespeare ۱۶۱۶-۱۵۶۴) که رفیع‌ترین قله در شعر و نمایش انگلیسی است و این زبان فخر و عزت خود را بیش از هر کس دیگری مرهون اوست.

زینت آلات ارزان قیمت از بریستول و لیورپول به سوی افریقای غربی راه می افتادند و در آنجا کالاهای خود را با هر تعدادی از برده که کشتیهایشان جا داشت معاوضه می کردند. آن گاه به بنادر کارولینای جنوبی و جنورجیا (در آن هنگام مستعمره انگلستان بودند) در امریکای شمالی یا به جزایر شکر خیز دریای کارائیب می رفتند و بردگان را به صاحبان مزارع می فروختند و کشتیهایشان را پر از شکر و ملاس و رام (rum نوعی مشروب الکلی) می کردند و به بنادر انگلستان باز می گشتند. پارلمان بریتانیا در سال ۱۸۰۷ تجارت برده را ممنوع کرد. تا آن سال، کشتیهای انگلیسی در هر يك از سفرهای خود علاوه بر سود هنگفتی که به چنگ می آوردند سنگی نیز بر بنای انگلیسی سیاه می افزودند که نوع کاملاً جدیدی از زبان انگلیسی بود.

اصولاً اولین سنگ بنای انگلیسی سیاه در خود همین کشتیها کار گذاشته شد. معمولاً ناخداهای کشتیهای مزبور انگلیسی بودند و کارکنان آنها ترکیبی از افراد متعلق به ملیتهای گوناگون که نه ناخداها زبان همه آنان را می دانستند و نه همه آنان زبان همقطاران خود و ناخداها را. آنان به ناچار به زبان آمیخته و بسیار ساده شده ای مکالمه می کردند که انگلیسی آمیخته (Pidgin English) نام گرفت.

اصطلاح pidgin خود داستان جالبی دارد. اصل pidgin کلمه Business است که چینیان به این شکل تلفظش می کردند و به نوعی از زبان انگلیسی گفته می شد که در قرن نوزدهم بین انگلیسیان و چینیان در بندرهای چین ارتباط برقرار می کرد. اکنون به طور کلی به هر زبانی اطلاق می گردد که بومی هیچ سرزمینی نیست. به سخن دیگر، pidgin نوعی نظام گفتاری است که بین مردمانی که فاقد زبان مشترکند امکان تفهیم و تفهم فراهم می آورد.

به هنگامی که کشتیهای انگلیسی وارد بندرهای افریقای غربی می شدند و سیاه پوستان را باری زدند نیاز به زبان آمیخته ضرورت بیشتری می یافت زیرا علاوه بر ناخدا و ملوانان که مجبور بودند به این زبان مکالمه کنند، سیاه پوستان نیز که به طور معمول از قبایل مختلف بودند چاره ای جز مکالمه به زبان آمیخته نداشتند.

در آن کشتیها، سیاه پوستان را مثل حیوانات تنگاتنگ هم می چپاندند. آنان نمی توانستند به راحتی بنشینند یا پاهایشان را کاملاً دراز کنند. هر روز يك بار آنان را به عرشه می آوردند تا هوایی بخورند و تکانی به خود دهند. هر گاه هوا بد بود در همان چاردیواری زیر عرشه زندانی باقی می ماندند. نویسنده ای گفته است که زندگی هیچ گاه در هیچ جای دیگری از کره زمین کیفیتی چنین فلاکت بار و جگر خراش نداشته است. در چنان اوضاع و

احوالی روشن است که مکالمه باهم، شنیدن صدای همدردی یا محبت یا حتی خشم هم، چه ضرورت اجتناب ناپذیری داشته است. و چون، همان طور که گفته شد، آن سیاه پوستان نگو نبخت از قبایل مختلف بودند (آنان را به عمد از قبایل مختلف انتخاب می کردند تا امکان شورش را به حداقل برسانند) و زبان مشترک نداشتند به ناچار از رایجترین زبان در کشتی، یعنی انگلیسی آمیخته، استفاده می کردند. بعداً نیز که از کشتی تخلیه می گردیدند و به صاحبان مزارع فروخته می شدند، چه در مزارع به کار می پرداختند و چه در خانه ارباب، بازهم نیاز به مکالمه با ارباب و خانواده و مباشر او، و همچنین با بردگان دیگر، آنان را مجبور می ساخت همین زبان را به کار ببرند.

روشن است که نسلهای بعدی آن سیاه پوستان نیز به انگلیسی آمیخته تکلم می کردند و این زبان به تدریج واژگان و خصایص دستوری ویژه ای پیدا کرد که هویت مستقلی به آن بخشید و نام خاصی: انگلیسی سیاه. شواهد موجود حاکی از آن است که تا قرن هجدهم انگلیسی سیاه در مزارع ایالتهای جنوبی امریکا و جزایر دریای کارائیب به صورت زبانی رایج درآمده بود.

برخی از ویژگیهای انگلیسی سیاه عبارت است از:  
- حذف فعل *is*، به عنوان مثال در جمله

*he out the game*

- حذف تصریفهای زمان حال، مثلاً در جمله

*He fast in everything he do.*

- در انگلیسی سیاه *he working* به معنای *he is busy right now* است، حال آنکه *he be working* به معنای *he has a steady job* است. به طور کلی استعمال *be* دلالت بر وضع ثابتی دارد، مثلاً در جمله

*some of them be big.*

### انگلیسی کارائیبی

مهاجرت سفیدپوستان به جزایر دریای کارائیب و متعاقباً ورود سیاه پوستان به آن منطقه منجر به محو زبان بومی و شکل گیری عضو دیگری از خانواده انگلیسی سیاه شد که قصه مختصر آن شنیدنی است:

پیش از ورود سفیدپوستان و سیاه پوستان به جزایر کارائیب، سرخپوستان دو قبیله کوچک کاریب (Carib) و آراواک (Arawak) در آن جزایر زندگی می کردند. پس از آنکه زمینهای حاصلخیز و شکرپرور جزایر مزبور به مالکیت سفیدپوستان درآمد و جمعیت سیاه پوستان فزونی گرفت، زبانهای آن دو قبیله کوچک به کلی از بین رفت و فقط کلماتی از آنها باقی ماند که به زبان اسپانیایی، و از طریق اسپانیایی به زبانهای اروپایی دیگر، راه یافته بود. *cannibal* از جمله این کلمات است که به زبان اسپانیایی، و از طریق

افتخارآمیز استقلال بود.

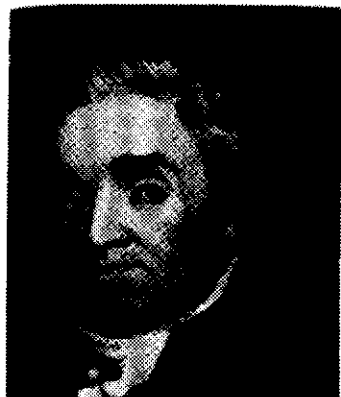
یکی از نخستین گامهایی که در جهت جدایی انگلیسی-امریکایی از انگلیسی انگلیسی برداشته شد اصلاحاتی بود که در املاء برخی از واژه‌ها صورت گرفت، از جمله *honor* به جای *theater: honour* به جای *plow: theatre* به جای *plough*؛ و *curb* به جای *kerb*.

بعضی از استقلال طلبان تا بدانجا پیش رفتند که پیشنهاد کردند زبان انگلیسی کنار گذاشته شود و به جای آن زبان عبری زبان ملی امریکاییان گردد؛ گروهی دیگر نیز زبان فرانسه را نامزد چنین مقامی کردند.

ولی واقعیت این بود که بیشتر امریکاییان به انگلیسی تکلم می‌کردند. آمارگیری سال ۱۷۹۰ حاکی از آن بود که نود درصد امریکاییان از اعقاب مستعمره‌نشینان بریتانیایی بودند. که طبعاً زبان آنان انگلیسی بود. کنار گذاشتن زبان انگلیسی ناممکن بود. تنها چاره امریکایی کردن آن بود.

یکی از پیشگامانی که در شکل‌گیری انگلیسی امریکایی نقش و سهم بسزایی داشت نوته (=نوح) وبستر (Noah Webster) بود. تألیفات او از *Dissertations on the English Language* (۱۷۸۹) گرفته تا *An American Dictionary of the English Language* (۱۸۲۸) و سایر فعالیت‌های هم‌ه وقف بهبود و تکامل زبان امریکایی، دستور زبان آن، و املاء و تلفظ کلمات آن شد. وبستر در *Dissertations* عقیده خود را مبنی بر اجتناب ناپذیر بودن جدایی انگلیسی-امریکایی از انگلیسی انگلیسی چنین بیان کرده است:

چند واقعیت جدایی آتی زبان امریکایی را از انگلیسی لازم و اجتناب ناپذیر کرده است... علت‌های متعدد محلی، از قبیل [هستی یافتن] یک کشور جدید، اجتماع‌های



نوته وبستر

اسپانیایی به انگلیسی، راه یافته است. به جای زبانهای آن قبایل بومی، آمیخته‌ای از زبان انگلیسی و زبانهای آفریقایی رایج شد که چون نسل اندر نسل به کار رفت و به صورت زبان مادری درآمد به انگلیسی کارائیبی یا زبان مادری آمیخته کارائیبی (Caribbean Creole) موسوم گردید. لازم است گفته شود که در منطقه دریای کارائیب و امریکای مرکزی برخی دیگر از زبانهای اروپایی، به ویژه زبانهای اسپانیایی و فرانسه، نیز با زبانهای آفریقایی در آمیختند و زبانهای مادری آمیخته دیگری به وجود آوردند که خارج از بحث ماست. موضوع بحث ما، یعنی انگلیسی کارائیبی، اکنون در جامائیکا، باربادوس، ترینیداد، و بعضی دیگر از جزایر کارائیب رایج است.

### انگلیسی امریکایی

در ۱۶۰۶، در سالی که شکسپیر آنتونی و کلوپاترا را آفرید، سه کشتی انگلیسی عازم دنیای جدید شد. انگلیسیانی که با این سه کشتی به دنیای جدید رفتند و در آن سکنی گزیدند پدر زبان انگلیسی را در خاک امریکای شمالی پاشیدند. چندان نگذشت که آن پدر ریشه دواند و با آنکه در سالهای بعد مهاجرانی از سایر کشورهای اروپایی و از آفریقا و آسیا در امریکای شمالی مقیم شدند زبان انگلیسی زبان ملی آن کشور شد.

تا انقلاب امریکا، یعنی تا دهه هفتم قرن هجدهم، انگلیسی گفتاری و نوشتاری در انگلستان و امریکا یکسان بود. یکی از نویسندگان در همان سالها نوشته بود که امریکاییان «انگلیسی را در مجموع بهتر از انگلیسیان تکلم می‌کنند. هیچ گونه لهجه محلی یا مستعمراتی در اینجا وجود ندارد.»

ولی در زمان انقلاب امریکا، شورشیانی که مصمم به کسب استقلال بودند لازم می‌دانستند که در تمام شئون زندگی، و از جمله زبانی ملی، خود را جدا و مستقل از انگلستان اعلام کنند. در ۱۷۸۲ اهالی جمهوری جدید خود را امریکایی نامیدند، و در ۱۸۰۲ کنگره ایالات متحده نخست بار عبارت «زبان امریکایی» را به کار برد.

از لحاظ تامس جفرسون، بنجامین فرانکلین، جان آدامز، و سایر رهبران انقلاب امریکا انگلیسی امریکایی نشانه



(جیزرفتن- گوش بُری کردن)؛ *squablfication* (بخه به یخه شدن)؛ *absquatulate* (دور شدن)؛ *lallapalooza* (شخص یا چیز فوق العاده).

*gold fever*، که خود عبارت جدیدی در انگلیسی امریکایی بود، در غنای این زبان نقش جالب توجی ایفاء کرد. هجوم طلا (Gold Rush) که از سال ۱۸۴۸ آغاز شد انبوهی از تمام قشرهای جامعه امریکارا، از کارگر و کشاورز و بانکدار گرفته تا شاعر و فیلسوف و کشیش، به سوی کالیفرنیا کشاند و آنان را با تجربه مبهوت کننده‌ای روبه‌رو ساخت.

*to see the elephant* عبارتی است که همین تجربه را بیان می‌کند: دچار بلیه شدن، یا جا خوردن، و بلوغ یافتن. برخی دیگر از کلمات و عباراتی که جویندگان طلا (نام فارسی فیلم *Gold Rush* اثر نابغه سینما چارلی چاپلین که به همین موضوع پرداخته است) وارد زبان روزمره انگلیسی امریکایی کرده‌اند عبارت است از *bonanza* (حفاری توفیق آمیز- هر چیز بسیار سودآور)؛ *el dorado* (نام سرزمین افسانه‌ای طلا که سرخپوستان به وجود آن اعتقاد داشتند و اسپانیاییها در قرن شانزدهم به جستجویش پرداختند)؛ *pan out* (سرنوشت کردن و شستن ماسه رودخانه برای جمع آوری طلا؛ *pan out* جمع آوری طلا از طریق فوق و به طور کلی به معنای تولید کردن و توفیق یافتن)؛ *stak a claim* (به دست آوردن حق انحصاری حفر زمین)؛ *strike it rich* (دفعتماً ثروتمند شدن).

گاوچرانان غرب امریکا نیز کلمات و عبارات بسیاری را وارد زبان انگلیسی کردند. آنان به ضرورت سر و کار داشتن با سرخپوستان و مکزیکیان گاهی به انگلیسی آمیخته صحبت می‌کردند و عباراتی نظیر *long time no see* یا *no can do* به کار می‌بردند؛ و به دلیل تماس با تربیت کنندگان اسپانیایی زبان اسب تعدادی از کلمات اسپانیایی را وارد زبان کردند، از جمله *stampede* (رم کردن)؛ *bronco* (وحشی)؛ *lassoo* (تله)؛ *mustang* (نوعی اسب وحشی)؛ *poncho* (نوعی لباس که نیمه بالایی بدن را می‌پوشاند)؛ *ranch* (گله‌زار- پرورشگاه گاو و گوسفند). همچنین ترکیباتی که با *cow* ساخته شده‌اند: *cowboy* و *cowhand* و *cowpoke* و *cowpuncher* (هر چهار به معنای گاوچران)؛ *cowboy song* و *cow camp* (قرارگاه گاوچرانان)؛ و چند ترکیب دیگر.

ملاحظه می‌کنید که شیوه‌های زندگی و رویدادهای مهم چگونه در زبان بازتاب می‌یابند و گنجینه زبان را غنی تر می‌سازند. در همه زبانها وضع از همین قرار است. در زبان خودمان نیز، ببینید آخرین رویداد تاریخی مهمی که در کشور ما رخ داد، یعنی انقلاب اسلامی ایران، چگونه دهها لغت و عبارت جدید را وارد زبان فارسی کرد یا به لغات و عبارات موجود مفهومی کاملاً نو بخشید.

جدیدی از مردم، تألیفهای تازه‌ای از اندیشه‌های هنری و علمی، آمیزش با قبایلی که به کل در اروپا ناشناخته‌اند، کلمات جدیدی را به زبان امریکایی وارد خواهد کرد. این علتها، در طول خاصی از زمان، زبانی در امریکای شمالی پدید خواهد آورد که همان قدر با زبان آتی انگلستان متفاوت خواهد بود که هلندی و دانمارکی و سوئدی جدید با آلمانی، و با یکدیگر، متفاوتند....

اکنون پس از نزدیک به دو بیست سال می‌توان به ضرس قاطع گفت که انگلیسی امریکایی تا آن حد که نوئه ویستر پیش بینی می‌کرد با انگلیسی انگلیسی اختلاف پیدا نکرده است ولی کاملاً حق با او بود که عقیده داشت شیوه‌های ویژه زندگی در امریکای شمالی «کلمات جدیدی را به زبان امریکایی وارد خواهد کرد». به عنوان مثال، گسترش مرزهای غربی امریکا، و اصولاً زندگی پیشتاژانه و پرماجرایی مرزنشینان غرب امریکا، کلمات و عبارات جدیدی را وارد انگلیسی امریکایی کرد یا به کلمات و عبارات موجود مفاهیم جدید بخشید. از جمله *go west* در اصل یک عبارت ساخته شده در دوران الیزابت اول بود که «مردن» یا «گمشدن در هاویه‌ای ناشناخته» معنی می‌داد، ولی این اصطلاح در نخستین سالهای تأسیس کشور امریکا در مورد مرزنشینانی به کار می‌رفت که به پنسیلوانیا، اوهایو، و ایلینوی می‌رفتند و ناپدید می‌شدند؛ بعدها گاوچرانان امریکایی عبارت *gone west* را در مورد کسی به کار می‌بردند که از خانواده یا شغل خود دست برمی‌داشت تا زندگی جدیدی را آغاز کند؛ در زمان جنگ بین‌المللی اول ارتشیان امریکایی این اصطلاح را در مورد سربازی به کار می‌بردند که بدون کسب اجازه فلنگ را می‌بست و در می‌رفت؛ و بالأخره اصطلاح مزبور در فیلمهای کابوئی هالیوود همان معنای اصلی را بازیافت: «مردن».

*gone west* یکی از عبارتهای متعددی است که مرزنشینان وارد زبان امریکایی کردند. بخش عمده‌ای از این کلمات و عبارات مربوط به قماربازی و مشروب خواری است که در غرب به شدت رایج بود و ما به منظور رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم و به جای آنها این کلمات جالب را شاهد می‌آوریم: *discombobulate* (قاتی کردن- گیج کردن)؛ *hornswoggle*

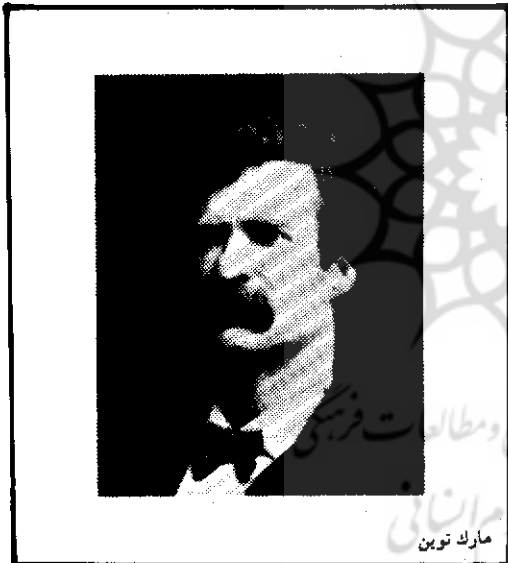
همانند ایشان در هیچ ادبیاتی فراوان نیست؛ نویسندگانی که شیوه نوری در نگارش کشف کرده‌اند که هم از برای خودشان معتبر است و هم از برای دیگران. من اورا... از سنخ آن نویسندگانی به شمار می‌آورم که زبانشان را روزآمد کرده‌اند.»

ارنست همینگوی نوشته است:

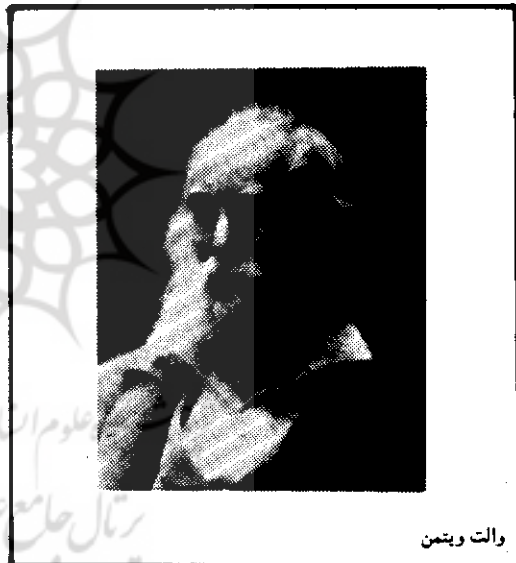
کل ادبیات جدید امریکا از يك كتاب به قلم مارك توين موسوم به هكلبری فین سرچشمه گرفته است... این بهترین کتابی است که ما داشته‌ایم. کل نوشته‌های امریکایی از آن سرچشمه می‌گیرد. چیزی پیش از آن نبود. از زمان نگارش آن تاکنون نیز چیزی به خوبی آن نبوده است.

اهمیت نقش والت ویتمن در این بود که به شاعران و نویسندگان امریکایی آموخت در آفرینش آثار خود، به جای تقلید از بیگانگان، به ضرباهنگ زندگی معنوی امریکا گوش فرا دهند

طاغوتی، حزب‌اللهی، اسلام فقهاتی، مکتبی، خط امام، خط امریکا، شیطان بزرگ، مستکبران، مستضعفان، مشرکین، منافقین، در صحنه بودن، سیاست نه شرقی نه غربی، و خیلی‌های دیگر. منتهی لازم است این قبیل لغات و عبارات به فوریت جمع‌آوری و ضبط گردند و تعاریف آنها در فرهنگها درج شود که ما معمولاً این مهم را پشت گوش می‌اندازیم و اصولاً فرهنگهای معاصر ما مورد تجدیدنظر قرار نمی‌گیرند تا پا به پای تحول زبان فارسی پیش بروند. بگذریم.<sup>۲</sup>



مارك توين



والت ویتمن

تا قادر باشند صدای دل و جان امریکاییان را منعکس سازند. او خود نوشته است: «من می‌شنوم که امریکا آواز می‌خواند.» آوازخوانی امریکا او را سرمست می‌کرد و او در اوج این سرمستی شعرهایی می‌سرود که سرشتی کاملاً امریکایی داشتند.

### انگلیسی‌های دیگر و چشم‌انداز آینده

علاوه بر انگلیسی انگلیسی و انگلیسی سیاه و انگلیسی امریکایی، انگلیسی‌های دیگری هم هست: انگلیسی کانادایی، انگلیسی استرالیایی، انگلیسی نیوزیلندی، انگلیسی هندی، انگلیسی آفریقایی، انگلیسی سنگاپوری، و غیره. هر يك از این انگلیسی‌ها ویژگی‌هایی دارند که ناشی از کیفیت انتقال بذرها و

ولی دستاوردهای شفاهی زبان، با وجود ارزش بنیادی اش، به تنهایی کافی نیست تا زبان والایی و افسون و عزت یابد. این دستاوردها باید به درجه «ادبیات» رفعت یابند تا ماندگار شوند. در زبان انگلیسی امریکایی يك نویسنده و يك شاعر نخستین ادیبانی بودند که وزن و لحن و واژگان زبان بومی (vernacular) را به مرتبه عالی ادبی رساندند و آن را در ردیف شادابترین و جذابترین و فصیح‌ترین زبانهای زنده امروزی قرار دادند: مارک توين و والت ویتمن.

در بیان اهمیت نقشی که مارک توين در زبان امریکایی داشت به ذکر دو نقل قول از دو ادیب بزرگ بسنده می‌کنیم. تی. اس. الیوت نوشته است که مارک توين «یکی از آن نویسندگانی بود که

می‌کنند که

انگلیسی، در نقش زبان دوم بسیاری از مردم کشورهای سراسر جهان، محتمل نیست در برابر دگرگونیهای سیاسی اجتناب‌ناپذیر آینده بیش از آن تاب بیاورد که زبان لاتین، که زمانی زبان دوم طبقات حاکمه یا مناطق در داخل امپراطوری روم بود، تاب آورد.

فقط آینده می‌تواند به اثبات برساند که حق با کدام يك از صاحبان دو نظریه فوق است. نویسندگان کتاب حاضر بر اساس مشاهداتی که در سراسر جهان انگلیسی زبان داشته‌اند، و با توجه به نقش ماهواره و تلویزیون و رادیو و تلفن در عصر کنونی، معتقد شده‌اند که زبان انگلیسی احتمالاً در دو سطح کاملاً متمایز رشد خواهد کرد و به این رشد ادامه خواهد داد: در سطح استاندارد بین‌المللی (International Standard) و در سطح شقوق محلی (Local Alternative). در سطح اول در تمام جهان انگلیسی زبان به صورتی کم و بیش یکسان تکامل خواهد یافت و در تفهیم و تفهم بین‌المللی به کار خواهد رفت؛ و در سطح دوم، شقوق محلی به نحو روزافزونی از هم فاصله بیشتری خواهند گرفت و نسبت به هم بیگانه‌تر خواهند شد. ولی با آنکه تمام این شقوق محلی صاحب ادبیات خاص خود خواهند شد همواره فرودست‌تر از انگلیسی استاندارد بین‌المللی به شمار خواهند رفت.

۱) این ترکیب را دوست فاضلم آقای اسماعیل سعادت پیشنهاد کرده است.  
۲) دست بر قضا، تا آنجا که من خبر دارم، آقای احسان نراقی لغات و عباراتی را که انقلاب اسلامی ایران وارد زبان فارسی کرده است جمع‌آوری نموده‌اند. چه خوب می‌بود اگر ایشان مجموعه آن لغات و عبارات را منتشر می‌ساختند.

خصایص اجتماعی و فرهنگی سرزمینی است که در آن ریشه گرفته‌اند و رشد کرده‌اند. چون در دو بخش قبلی تأثیر این کیفیت و خصایص را در شکل‌گیری انگلیسی سیاه و انگلیسی امریکایی به اختصار شرح داده‌ایم در این نوشته کوتاه لزومی نمی‌بینیم که به شرح چگونگی پیدایش انگلیسی‌های دیگر نیز بپردازیم.

جهانگیر شدن انگلیسی و پدید آمدن انگلیسی‌های مختلف را با رواج زبان لاتین در سراسر امپراطوری روم مقایسه کرده‌اند و این احتمال را مطرح نموده‌اند که زبان انگلیسی هم ممکن است مثل زبان لاتین به زبانهای دیگر تجزیه بشود و خود بمیرد. دکتر رابرت برچفیلد (Dr Robert Burchfield) سر ویراستار فرهنگ انگلیسی آکسفورد در اواخر دهه هفتاد قرن حاضر این نظریه را مطرح نمود که درست همان طور که بعد از سقوط امپراطوری روم زبان لاتین به زبانهایی نظیر فرانسه و اسپانیایی و ایتالیایی تجزیه شد، زبان جهانی انگلیسی نیز در طول چند قرن آینده به زبانهای مختلفی تجزیه خواهد شد و خود، مثل زبان لاتین، خواهد مرد. دکتر برچفیلد معتقد است که زبانها همواره یا در حال تکامل تدریجی اند یا گرایش به تجزیه شدن دارند. می‌گوید:

نمونه‌های روشنی از تجزیه يك زبان به دو یا چند بخش سزا در دست است، به ویژه پدید آمدن زبانهای بزرگ ژرمانیک اروپای غربی (انگلیسی، آلمانی، هلندی، نروژی، سوئدی، و غیره) از لهجه‌های متقابلاً مفهوم قرن پنجم میلادی.

به عقیده او کسانی که پیش‌بینی می‌کنند که زبان انگلیسی در تمام جهان رایج و ماندگار خواهد شد این واقعیت مهم را فراموش

رتال جامع علوم انسانی

